

متن پرسش

سلام استاد عزیز: بابت پراکنده‌گویی این قلم ناچیز و نارسایی اش عذرخواهم اما دوست داشتم حرف دلم را - که سخت است بیانش- درمیان بگذارم: بهتر است از همه چیز بگذرم و دل بسپارم به تنهایی خویش، زیرا تنها زاده شدم و تنها به خاک سرد گور سپرده می‌شوم! به قول شهید آوینی «بگذار اغیار هرگز در نیابند» که این تنهایی به من چه حالی می‌دهد! ای آنکس که نمی‌گذاری به حال خویش باشم و به درد خود بمیرم و از من می‌خواهی حال که دیگر کار این جهان یکسره شده است و نیرویی نیست که ما را با خود ببرد، دل به جیفه ی بی مقدار تو بسپارم و دستهایم را در کازار وهمی ات پیر و کهنسال کنم! بگذار از تنهایی خویش با خود سخن بگویم! پس با من سخن بگو ای من! به من بگو با کدامین سخن می‌توانم تو را به راه بیاورم تویی که روزی سر به راهی و روز دیگر دور افتاده و غمگین. این درد را نمی‌خواهم به کسی بگویم که دلسوزم باشد، می‌خواهم با همین تنهاییم در میان جمع، شاد باشم! و به تو ای خدایی که می‌خواهی مرا از تنهایی به در آری و هر شب به سینه من می‌کوبی «که بیا و در جمع ما یاران و یاوران شاد باش» بگویم «اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْنِي» با این سرود رقصی کنم و بگویم من از آزاد شدگانم! حال است که دلم می‌خواهد جانم را فدایت کنم. هان منی که فسرده بودم و غمگین در جمع خودم با خودم شادم و به سراغتان می‌ایم، زیرا می‌توانم دلتان را بدست آرم و راه دل آدم‌ها از همه بیشتر می‌دانم زیرا این راه را تا آخر با خودم رفته ام. هر بار که دلم می‌گرفت راز گشودن گره اش را با دستهایی غیر از دستهای خودم نیاموختم! نبود لیلی دروغینی که دلم را شاد کند. من بودم و من بودم و حال این منی که تنهای تنهاییم، قدرتی یافته ام که هیچ یک از قهرمانان قوی هیکل که سر آخر محتاج تبسم دروغینتان است ندارد. به راستی این قدرت چیست؟ قدرتی که آدمی با خودش و در خودش می‌یابد و با آن خانه دل را می‌آراید و با خود صفا می‌کند و آینه که صاف شد جلوه ی خدا آرام آرام به سینه‌ات راه می‌یابد و دل مرده ات را - که باید هم مرده باشد و اگر نمرده باشد باید به خودت تردید کنی - به فیض دیدار حق رهسپار می‌کند. بی آنکه نه دستی داشتی و نه پایی برای رفتن به سوی آن خدا... خود به سراغت می‌آید و آنگاه لحظه ی شهادتت فرا می‌رسد از آن جنس که رهبرم گفت: نمی‌گویم شهید بشوید، خدا کند شهید نشوید! مثل شهیدها زندگی کنید" و من می‌دانم که شهدا غریب بودند و اکنون با این تنهایی خودخواسته ای که مرا در برگرفته‌است، در راه تو عزمی یافته ام که هیچکس نمی‌تواند مرا تکان هم بدهد!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: اگر این شاءالله با مباحث مطرح در سوره انسان، خود را با خود آشنا کنید
افقی در مقابلتان گشوده می‌شود که اگرچه از شما دور نیست ولی برای حضور در آن افق، خوب است
که همتی جانانه در پیش گیرید.

<https://lobolmizan.ir/sound/۸۴۴?mark=%D۸%B۳%D۹%۸۸%D۸%B۱%D۹%۸۷%۲۰%D>

۸%AF%D۹%۸۷%D۸%B۱ . موفق باشید